

مجله حقوق تطبیقی،
دوره ۲، شماره ۲،
پاییز و زمستان ۱۳۹۰،
صفحات ۱۱۵ تا ۱۳۲

بررسی تطبیقی شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در نظام انتخاباتی مجالس ایران و مالزی

بیژن عباسی*

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مصطفی جعفری**

کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی اراک

تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۹۰/۵/۲۶

چکیده

انتخابات یکی از مهم‌ترین مجاری عملی شدن مردم‌سالاری و معیاری برای ارزیابی جایگاه و میزان نقش‌آفرینی مردم در نظام‌های سیاسی امروزی است. انتخابات، چهارچوب و ابزاری است که از طریق آن، اراده‌ی مردم در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال قدرت سیاسی به‌ظهور می‌رسد و از این طریق، مردم در عرصه‌های تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت بر اداره‌ی امور کشور، نقش‌آفرینی می‌کنند. در حال حاضر، در اغلب کشورهای جهان، برای انتخاب نمایندگان مجلس، به‌آرای مردم رجوع می‌نمایند. اما این که شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در انتخابات مجلس باید چگونه باشند و صلاحیت انتخاب‌شوندگان بوسیله چه مرجع و مقامی باید احراز شود در کشورهای مختلف وضعیت فرق می‌کند. ما در این مقاله قصد بررسی تطبیقی شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در نظام انتخاباتی مجالس ایران و مالزی را داریم، موضوعی که تاکنون پژوهش مستقلی درباره‌ی آن صورت نگرفته است.

واژگان کلیدی: انتخابات، مجلس قانونگذاری، نمایندگان، نظام انتخاباتی، انتخاب‌کنندگان، انتخاب‌شوندگان.

bizhan_abbasy@yahoo.com

mostafajafari@razi.tums.ac.ir

* نویسنده مسئول فاکس: ۰۲۱-۶۶۴۰۹۵۹۵

**

مقدمه

یکی از مهمترین مسایل مربوط به انتخابات، نظام انتخاباتی است. نظام انتخاباتی فرآیند انتخابات و روابط آرای شهروندان و کرسی‌های نمایندگی را تنظیم می‌نماید. نظام انتخاباتی دربردارنده قواعدی است که به موجب آنها آراء به کرسی‌های نمایندگی تبدیل می‌شود یا اتخاذ شیوه‌ای است که نتایج آن در آخر به بهترین وجهی منعکس‌کننده گرایش‌های شهروندان رای‌دهنده باشد.

موضوع این مقاله، بررسی تطبیقی شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در نظام انتخاباتی مجالس ایران و مالزی است. ایران و مالزی دو کشور مسلمان بوده و از ارزش‌های فرهنگی و دینی مشترکی برخوردارند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ پایه و اساس سلطنت فرو ریخت و نظام سیاسی کشور بعد از برگزاری یک همه پرسی تبدیل به جمهوری اسلامی شد. در سال ۱۳۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی مبتنی بر نظریه ی ولایت فقیه تهیه و تصویب گردید.

در جمهوری اسلامی ایران برابر قانون اساسی، ریشه‌ی حاکمیت به خداوند باز می‌گردد (اصل ۵۶) و همه‌ی قوانین و مقررات باید با موازین اسلامی انطباق داشته باشند (اصل ۴). از سوی دیگر، خداوند انسان را بر سرنوشت خویش حاکم ساخته است و زمامداری و اداره‌ی امور کشور طبق اصل ۶ قانون اساسی، با اتکا به آرای عمومی و از راه انتخابات و همه پرسی است. انتخابات با حضور و مشارکت مردم و رای مستقیم آنها صورت می‌گیرد. با توجه به جمهوریت نظام طبق اصول ۶۳، ۹۶، ۱۱۴ و ۱۵۷ قانون اساسی، دوره‌ی نمایندگی و زمامداری باید محدود باشد.

کشور مالزی با وصف رسمیت دین اسلام در این کشور، در زمره‌ی دولتهای اسلامی است (Nurhafilah, 2008, p. 38). نظام سیاسی این کشور بر دموکراسی پارلمانی استوار و دارای حکومت سلطنتی مبتنی بر قانون اساسی یا مشروطه‌ی سلطنتی است. قدرت قانونگذاری در دست پارلمان و قدرت اجرایی در اختیار هیأت وزیران و در رأس آن نخست وزیر قرار دارد. پادشاه توسط شورای سلطنتی یا شورای پادشاهان (متشکل از سلاطین نه ایالت مالزی) و هر پنج سال یک بار از میان نه سلطان ایالت مالزی انتخاب می‌شود. وی عالی‌ترین مقام رسمی کشور است، ولی دارای اختیارات محدودی بوده و در واقع، بیشتر نقش تشریفاتی دارد.

مالزی به لحاظ ساختار سرزمینی و درونی یک دولت فدرال مرکب از دو بخش ایالات و سرزمین‌های فدرال می‌باشد که مجموعاً یک دولت را تشکیل می‌دهند (ساعد، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹). این کشور دارای سیزده ایالت و سه سرزمین فدرال است که از میان آنها نه ایالت دارای سلطان و ریاست چهار ایالت ملاکا، پنانگ، صباح و ساراواک با فرماندار یا وزیر اعظم است که پادشاه آنها را انتخاب می‌کند. سلطان رئیس تشریفاتی ایالت و رئیس مذهب اسلام در داخل

ایالت و نگهبان سنت های مالایی است. کوالالامپور، پوتراجایا و لابوآن نیز سرزمین‌های فدرالی این کشور را تشکیل می‌دهند.

قانون اساسی مالزی تحت تاثیر شرایط سیاسی بعد از جنگ جهانی دوم و رشد ملی‌گرایی قوم مالایی تدوین شد. در این کشور، نخستین انتخابات عمومی در ژوئیه ی سال ۱۹۵۵ برگزار شد بحث در مورد قانون اساسی و آینده ی سیاسی آن در سال ۱۹۵۶ در لندن صورت گرفت. این کنفرانس با استقلال کامل مالایا موافقت کرد. قانون اساسی فدراسیون مالایی در ۳۱ اوت ۱۹۵۷ به هنگام اعلام رسمی استقلال مالزی به مرحله ی اجرا در آمد. در سال ۱۹۶۳ نیز با پیوستن سنگاپور، صباح و ساراواک به فدراسیون متمرکز به قانون اساسی اضافه شد و به صورت قانون اساسی فدراسیون مالزی در آمد. بدین ترتیب، اکنون بیش از نیم سده از ظهور مجلس قانونگذاری و دیگر قوای عمومی فدرال در مالزی می‌گذرد (وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲، ص ۱۸۳).

گفتار نخست: زمان انتخابات، دوره ی نمایندگی و ساختار پارلمان

این که انتخابات پارلمان در چه زمانی صورت گیرد، دوره ی نمایندگی برای چه مدتی و ساختار آن چگونه باشد در کشورهای گوناگون از جمله ایران و مالزی، راه حل‌های متفاوتی در نظر گرفته شده است.

الف. زمان انتخابات، دوره ی نمایندگی و ساختار پارلمان در جمهوری اسلامی ایران

مطابق بند نخست اصل ۶۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی، دوره ی نمایندگی مجلس شورای اسلامی همانند بسیاری از کشورهای دیگر، چهار سال است. دوره ی نمایندگی نمایندگان نیز همزمان با دوره ی مجلس است. طبق ماده ی ۴ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۸/۷ در صورتی که بنا به دلایلی حوزه ای فاقد نماینده باشد، از طریق انتخابات میان دوره ای نسبت به تعیین و انتخاب نماینده اقدام می‌شود. در چنین صورتی دوره ی نمایندگی این گونه منتخبان محدود به پایان دوره ی مجلس خواهد بود.

در قانون اساسی و قانون انتخابات اشاره ای به ممنوعیت تجدید انتخابات نمایندگان نشده است. بنابراین، تجدید انتخاب نمایندگان برای دوره های متعدد و متوالی بلامانع است. طبق ماده ی ۴ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، در صورتی که بیش از یک سال به پایان دوره ی مجلس باقی مانده باشد انتخابات میان دوره ای در حوزه های فاقد نماینده انجام خواهد شد. چنانچه تعداد نمایندگان مجلس کمتر از چهار پنجم مجموع نمایندگان گردد و شش ماه به پایان دوره ی مجلس باقی باشد انتخابات میان دوره ای انجام می‌شود.

پارلمان ایران به لحاظ ساختار، دارای نظام تک مجلسی است ولی قوه ی مقننه ی آن چندان بسیط و ساده نیست. زیرا بنابر ملاحظات انطباق قوانین و مقررات با موازین شرعی و قانون اساسی این نهاد از دو رکن کاملاً متمایز، مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان تشکیل شده است (هاشمی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۸). اصل ۹۳ قانون اساسی مقرر می دارد که مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد. وظیفه ی این شورا پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنهاست. بنابراین، از لحاظ ساختار، مجلس ایران با دیگر کشورها متفاوت است.

ب. زمان انتخابات، دوره ی نمایندگی و ساختار پارلمان در مالزی

طبق قانون اساسی مالزی پارلمان فدرال شامل دو مجلس قانونگذاری می باشد که عبارتند از: مجلس نمایندگان و مجلس سنا.

۱. مجلس نمایندگان

در مالزی مجلس نمایندگان مرجع قانونگذاری و نظارت است و دوره ی آن همانند بسیاری از کشورهای غربی از جمله انگلیس، فرانسه و آلمان پنج سال است. اعضای این مجلس پس از انجام یک انتخابات عمومی، به صورت تکنام و یک مرحله ای و بر اساس اکثریت نسبی آرای مردم انتخاب می شوند. حزبی که اکثریت اعضا را در مجلس نمایندگان داشته باشد دولت فدرال را تشکیل خواهد داد. در پایان هر دوره، مجلس منحل و به عضویت تمامی نمایندگان خاتمه داده می شود. باید در خلال شش روز پس از انحلال مجلس، انتخابات عمومی برگزار گردد و در مدت یکصد و بیست روز، نمایندگان برای تشکیل جلسه از سوی پادشاه فراخوانده شوند. اجلاسیه ی مجلس که یک سال به طول می انجامد و همانند انگلستان با سخنرانی پادشاه آغاز به کار می کند و طی دوره ی ۵ سال، پنج اجلاسیه ی یک ساله دارد. در این جلسه ی سخنرانی، دولت برنامه ی قانونگذاری خود را مطرح می نماید. این جلسه زمانی که پارلمان تعطیل می شود پایان می یابد. در لوایحی که در طی این جلسه مطرح ولی به تصویب نرسد، تصویب آن به جلسه ی بعدی منتقل می شود. پارلمان باید مجدداً در مدت شش ماه از آخرین نشست در جلسه ی قبلی، تشکیل جلسه ی آینده را اعلام و از اعضاء دعوت به عمل آورد. این فرآیند تا انحلال مجلس ادامه می یابد (Harding, 1996, p. 94). به منظور جلوگیری از انتخابات های میان دوره ای، پیش بینی شده است که اگر عضو پارلمان از کرسی خود بنا به هر دلیلی در مجلس نمایندگان استعفا دهد به مدت ۵ سال از عضویت در مجلس رد صلاحیت

می‌شود. طبق قانون اساسی کرسی خالی باید از طریق برگزاری انتخابات میان دوره ای مجلس نمایندگان و یا انتصاب در مجلس سنا در مدت ۶۰ روز پر شود (Harding, 1996, p. 93).

۲. مجلس سنا

انتخابات مجلس سنا به صورت همگانی نیست و شمار نمایندگان آن از مجلس نمایندگان کمتر است. این مجلس دارای ۶۸ عضو است، ۲۶ نفر از آنها توسط شوراهای ایالتی قانونگذاری انتخاب می‌شوند که ۲ نفر از هر ایالت بدون در نظر گرفتن اندازه، اهمیت (ایالت) می‌باشند. این افراد نباید به طور همزمان، عضو شوراهای قانونگذاری ایالتی هم باشند. ۴۲ عضو دیگر همانند مجلس اعیان انگلیس با مشورت و توصیه ی دولت توسط پادشاه نصب می‌شوند و باید افرادی باشند که خدمات عمومی برجسته و شاخصی انجام داده یا در حرفه ها، تجارت، صنعت، کشاورزی، فعالیت های فرهنگی یا خدمات اجتماعی به عنوان نخبه شناخته شده باشند، یا نماینده ی اقلیت های قومی باشند و یا نماینده ی منافع و منویات بومیان باشند. از سال ۱۹۸۴، دو نفر از اعضای منتخب برای نمایندگی از سوی قلمرو فدرال انتخاب می‌شوند. دوره ی تصدی نمایندگی سناتورها برای مدت ۳ سال می‌باشد و انحلال پارلمان همانند دیگر کشورهای دارای نظام دومجلسی در این مجلس تاثیری ندارد. همچنین یک سناتور نمی‌تواند بیش از یک دوره در این نهاد، تصدی داشته باشد (Harding, 1996, p. 96).

گفتار دوم: شرایط انتخاب کنندگان در مجالس ایران و مالزی

درست است که امروزه حق رای همگانی است ولی در همه ی کشورها رای دهندگان یا انتخاب کنندگان برای استفاده از حق رای همانند دیگر حقوق و آزادی ها باید دارای شرایطی باشند. این شرایط عمدتاً عبارتند از: تابعیت، اقامت، سن، عقل، اهلیت اخلاقی (شایستگی اخلاقی یا سیاسی).

الف. تابعیت

امروزه دارا بودن تابعیت و شهروندی برای رای دادن کافی است و عموماً "بیگانگان حق شرکت در انتخابات را ندارند (عباسی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۴). رای دهنده باید تابعیت یک کشور را داشته باشد، زیرا تابعیت رابطه ی سیاسی، حقوقی، اجتماعی و فرهنگی است که یک فرد با یک دولت دارد و به موجب آن می‌تواند از حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن کشور به عنوان یک شهروند استفاده نماید. افرادی که تابعیت یک کشور را دارند تعلقات خاطر زیادی به آن داشته، از نظر مسئولیت پذیری اجتماعی متأثر از فرهنگ و تمدن آن کشور هستند و هنگام رای دادن با در نظر گرفتن چنین ملاحظاتی در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش مشارکت می‌کنند.

کنند. درباره ی این شرط، در کشور جمهوری اسلامی ایران طبق بند ۱ ماده ی ۲۷ قانون انتخابات مجلس و در مالزی برابر اصل ۱۴ قانون اساسی با یکدیگر همداستانند و هر دو کشور تابعیت یا شهروندی را یکی از شرایط بنیادی و اساسی انتخاب کنندگان می دانند.

ب. اقامت

حضور مستمر و اقامت فرد در یک منطقه ی جغرافیایی موجب شناخت بیشتر وی نسبت به وقایع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی منطقه و مشکلات عموم مردم می گردد و قرار گرفتن فرد در چنین وضعیتی به او کمک می کند تا با توانایی و آگاهی بیشتر گزینش واقعی تری داشته باشد. کسانی که خارج از این منطقه سکونت داشته باشند طبیعتاً "درک کمتری از اوضاع آن دارند و چنانچه در انتخابات شرکت نمایند ملاک و معیار چندان خوبی برای انتخاب کردن ندارند.

بنابراین، شرط دیگر بهره گیری از حق رای، سابقه ی اقامت فرد در حوزه ی انتخابیه در هنگام رای گیری است. در ایران اشخاص در زمان انتخابات در هر حوزه ی انتخابیه امکان استفاده از حق رای را دارند. ولی طبق تبصره ی ۴ ماده ی ۹ قانون انتخابات مجلس، چنانچه انتخابات به دور دوم کشیده شود رای دهنده ی دور نخست فقط در حوزه ی اولیه ای را که رای داده حق رای دارد.

مطابق قانون اساسی مالزی اقامت افراد شرکت کننده در انتخابات مجالس بر اساس حوزه بندی انتخاباتی انجام می گیرد. انتخابات مجلس در این کشور به صورت تکنام است و شمار کل حوزه ها باید برابر با تعداد انتخاب شوندگان باشد، به طوری که هر نماینده باید از یک حوزه انتخاب شود. حدود حوزه های انتخابیه نباید از مرزهای ایالتی فراتر باشد و حدود حوزه های انتخابی ایالتی نمی بایست مرزهای حوزه های انتخابی فدرال را در بر بگیرند. در این کشور با توجه به حوزه بندی نمودن ایالات در انتخابات طبق بند ۹ اصل ۱۱۶ قانون اساسی، هر شهروند واجد شرایط بایستی لااقل ۷ سال ساکن یک حوزه باشد تا بتواند از حق رای در آنجا استفاده کند و چنانچه در زمان انتخابات ساکن آن حوزه نباشد یک رای دهنده غایب در نظر گرفته می شود. الزامی بودن هفت سال اقامت می تواند کمک بسیار زیادی در شناخت مسایل و نیازهای منطقه، داوطلبان انتخابات، ارزشیابی شخصیت و انجام یک گزینش آگاهانه و واقعی خواهد کرد. ولی همچنین می تواند موجب محرومیت عده ی زیادی گردد که فاقد این شرط باشند.

در جمهوری اسلامی ایران هر شخص می تواند در روز اخذ رای به هر شهر و یا استان عزیزت نماید و در انتخابات آن منطقه شرکت نماید و محدودیتی در خصوص شرط اقامت برای رای دهنده وجود ندارد. ولی این امر می تواند یکی از نقاط ضعف قانون باشد. بدین ترتیب که

داوطلبان یا احزاب شرکت کننده در انتخابات با استفاده از این اختیار می‌توانند طرفداران خود را در روز رای‌گیری به حوزه‌ی انتخابیه‌ی موردنظر خویش اعزام و موفق به گرفتن کرسی در مجلس گردند، در صورتی که با این شگرد نماینده‌ی واقعی مردم منطقه انتخاب نشده است.

ب. سن

شرکت در انتخابات و رای‌دادن تصمیم بسیار مهمی در جهت تعیین سرنوشت سیاسی است. فلذا فرد باید به سنی رسیده باشد که از رشد، آگاهی اجتماعی و سیاسی، همچنین توانایی فهم و درک زندگی اجتماعی و مسئولیت‌پذیری سیاسی و اجتماعی برخوردار باشد. در واقع، شخص باید دارای قوه‌ی تشخیص کافی باشد. در همه‌ی کشورها سن حداقلی وجود دارد که پایین‌تر از آن یعنی کودکان و نوجوانان جزء انتخاب‌کنندگان به شمار نمی‌روند. امروزه سن رشد انتخاباتی در اغلب کشورها به تدریج کاهش یافته است، به طوری که در بسیاری از کشورها بین حداقل ۱۸ سال و حداکثر ۲۳ سال متغیر است.

در ایران پس از انقلاب اسلامی سن رای‌برابر قانون انتخابات مصوب شورای انقلاب شانزده سال، قانون مصوب سال ۱۳۶۰ پانزده سال، قانون مصوب سال ۱۳۷۸ شانزده سال، اصلاحیه قانونی سال ۱۳۷۹ دوباره پانزده سال در نظر گرفته شد. قانون مصوب ۱۲ دی ۱۳۸۵ این سن را به هیجده سال افزایش داد (عباسی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۹-۲۳۸) که سن معقول و مناسبی است و قابل تحسین به نظر می‌رسد. چرا که فرد در این سن به یک رشد جسمانی و عقلانی رسیده است و با گذراندن سطحی از تحصیلات (دیپلم) توانایی انجام خدمت زیر پرچم و تشکیل خانواده را دارد (خسروی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۷). در مالزی سن رای‌دادن یا بلوغ انتخاباتی را طبق اصل ۱۹ قانون اساسی، پایان ۲۱ سال پیش‌بینی کرده است که این امر سبب محرومیت بسیاری از جوانان از حق رای می‌شود و اصل همگانی بودن این حق را مخدوش می‌نماید.

معمولاً سن بلوغ انتخاباتی همانند سن مدنی و کیفری تابعی است از شرایط گوناگون جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی و ... بنابراین، مصلحت‌سنجی در این باره اصولاً در حوزه‌ی تصمیم‌گیری‌های سیاسی قرار می‌گیرد. در ایران بعد از انقلاب به سرعت سن رای‌دهنده پایین آمد و این تغییر ناشی از دو امر بود یکی به لحاظ رعایت موازین اسلامی که سن بلوغ برای دختر ۹ سال و برای پسر ۱۵ سال است و دیگری مشارکت جوانان در انقلاب بود که به عنوان افرادی صاحب نظر با روحیه‌ی انقلابی شناخته شدند (مدنی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۹). البته در ایران دولتمردانی هستند که تمایل به پایین بودن سن انتخابات دارند. این امر شاید به این دلیل باشد تا از پشتیبانی جوانان پرشور، دگرگون طلب و انقلابی برای تداوم انقلاب استفاده شود. در مالزی سن انتخابات را بالا برده‌اند، زیرا معتقدند که جوانان بیشتر نوجو و هوادار تحولند و حق

رای آنان در ترکیب و خصلت نمایندگان اثر نامطلوب باقی می‌گذارد. از آنجا که ممکن است برخی گرایش‌های شتاب‌آلود سیاسی کشور را دچار امواج و تلاطم‌های زیان‌آور سازد باید نمایندگان مردم از سوی قشرهایی برگزیده شوند که ضمن نوجویی، مصالح جامعه را نیز در بستر زمانی و تاریخی تشخیص دهند (خسروی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۷).

ت. عقل

در تمامی کشورها یکی از شرایط اساسی شرکت افراد در انتخابات داشتن اراده‌ی سالم، آزاد و مستقل است تا بتواند به نحو درست مبادرت به یک قضاوت سیاسی نماید. عدم سلامت جسمی و نقص عضو بدنی را هیچ‌کس از موارد محرومیت رای دهنده ندانسته مگر این که معلولیت و نقص عضو در قوای عقلانی و دماغی وی تاثیر گذاشته باشد. در ایران برابر بند ۳ ماده ۲۷ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و در مالزی نیز طبق اصل ۱۱۹ قانون اساسی، عاقل بودن یکی از شرایط رای دادن است.

در خصوص شرط عقل ممکن است ابهاماتی به وجود آید از جمله این که چگونه می‌توان در مدت کوتاهی که فرد در حوزه‌ی رای‌گیری حضور دارد متوجه محجوریت وی شد. جنون در شناسنامه‌ی افراد نوشته نمی‌شود لذا فقط در شرایطی که شخص حرکات غیرعادی در هنگام حضور در شعبه‌ی رای‌گیری از خود نشان دهد امکان جلوگیری از رای دادن او وجود دارد. در بریتانیا، رئیس صندوق رای حق تشخیص و ارزیابی ذهنی و جسمی رای‌دهنده را به لحاظ ایفای وظایف شهروندی برعهده دارد (عباسی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۱).

ث. شایستگی اخلاقی

برای بهره‌گیری از حق رای داشتن شایستگی یا اهلیت اخلاقی لازم است. محکومیت به برخی از مجازات‌ها که کیفر تبعی آن محرومیت از حقوق اجتماعی به ویژه رای دادن باشد، می‌تواند سالب اهلیت شهروندی و انتخاباتی به شمار آید. این محدودیت خلاف اصول نمی‌نماید، به خصوص اگر موجبات آن بر مبنای محاسبات نقشه‌های پیش‌اندیشیده‌ی سیاسی نباشد. البته جرم ارتكابی باید از اهمیت، شدت و درجه‌ی خاصی برخوردار باشد تا قوانین جزایی برای محکومیت کیفری آن قایل به مجازات‌های تبعی از قبیل محرومیت از حقوق شهروندی شوند. زیرا اگر بنا باشد هر نوع محکومیتی موجب ممنوعیت از شرکت در انتخابات شود، مسلماً "حق رأی شمار زیادی از مردم از میان خواهد رفت و دایره‌ی هیات انتخابیه تا آنجا محدود و تنگ خواهد شد که در عمل، اصل همگانی بودن حق رای نقض گردد (قاضی سید ابوالفضل، ۱۳۸۳، ص ۳۰۳).

در ایران برابر بند «ب» ماده‌ی ۱۰ آیین‌نامه‌ی قانون انتخابات مجلس خبرگان مصوب سال ۱۳۶۱ شورای نگهبان، محرومان از حقوق اجتماعی را از حق انتخاب کردن محروم نموده است. لذا اگر

دادگاه در رای خود به محرومیت متهم از حقوق اجتماعی حکم کند او از حق رای در انتخابات خبرگان محروم خواهد شد. با وجود این، این شخص حق شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شوراهای محلی و همه پرسی را خواهد داشت (تقی‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۴۳). در کشور ما و مالزی همانند بسیاری دیگر از کشورها کسانی که سابقه محکومیت کیفری در برخی از جرایم را داشته باشند از حق رای دادن در انتخابات مجلس محروم نمی‌باشند.

گفتار سوم: شرایط انتخاب شوندگان در مجالس ایران و مالزی

معمولاً شرایط انتخاب شوندگان در مجالس عبارتند از: ۱- تابعیت ۲- سن ۳- اقامت ۴- سلامت جسمی و روانی ۵- شایستگی اخلاقی ۶- مدرک تحصیلی ۷- ابراز وفاداری به قانون اساسی. البته در هر یک از کشورها شرایط خاص دیگری نیز با توجه به نوع نظام سیاسی پیش بینی شده است از جمله در کشور ما نظیر اعتقاد و التزام عملی داوطلبان انتخابات به اسلام. بیشتر شرایط داوطلبان انتخابات همان شرایط رای دهندگان است. اما شروط دیگری همانند توانایی، لیاقت و تجربه که لازمه اعمال نمایندگی است به شرایط انتخاب شوندگان افزوده می‌شود. در عین حال، شرایط داوطلبان می‌بایستی نسبت به رای دهندگان پیچیده تر باشد، چرا که وظیفه نمایندگی و اداره امور عمومی نیازمند وجود نمایندگان متخصص، باتجربه و عالم به زمامداری است. این شروط باید به گونه ای تنظیم شود که امکان اعمال هیچ گونه تبعیض ناروایی وجود نداشته و همه ی افراد واجد صلاحیت فرصت برابر داوطلب شدن در انتخابات را داشته باشند. البته با توجه به این که کشور مالزی دارای دو مجلس است (مجلس نمایندگان و مجلس سنا) بعضی از شرایط انتخاب شوندگان در هر مجلس تفاوت دارد از جمله سن انتخاب شونده که در مجلس نمایندگان ۲۱ سال و در مجلس سنا ۳۰ سال در نظر گرفته شده است.

الف. تابعیت

معمولاً هر کس به محض تولد از تابعیت کشوری که در آن متولد شده است برخوردار می‌شود. به عبارت دیگر، هر شخص در محلی که متولد می‌گردد، آن محل هم اجباراً جزو قلمرو دولتی می‌باشد. سخت گیری در مورد تابعیت نامزدهای انتخاباتی، غالباً برای آن است که نمایندگان تا آنجا که ممکن است به کشور خود وابسته باشند تا در صورتی که سرنوشت سیاسی جامعه به دست آنها سپرده شود برای راهبری و اداره ی آن به سوی سعادت، رفاه، استقلال و تمامیت، آنچه در توان دارند به کار گیرند. در اغلب اوقات تابعیت باید منوط به تولد باشد. ولی اگر اشخاص تابعیت خود را تحصیل کرده باشند، لزوماً باید مدت نسبتاً طولانی در کشور زندگی کنند تا در جامعه هم گونه شده و فرهنگ آن دیار را به خوبی درک و جذب نمایند.

در کشور مالزی طبق اصل ۱۴ قانون اساسی چنانچه فردی از جانب پدر مالایی باشد و پدر نیز تابعیت مالزی را داشته باشد تبعه‌ی آن کشور محسوب می‌شود. در کشور ما نیز اشخاصی که تبعه‌ی ایران محسوب می‌شوند در ماده‌ی ۹۷۶ قانون مدنی ذکر شده است. هیچ یک از قوانین اساسی و عادی کشور ایران و مالزی به خارجی‌ان حق داوطلب شدن در انتخابات مجالس قانونگذاری را نداده‌اند و این امر به عنوان یک اصل مسلم پذیرفته شده است. در کشور ما شرط تابعیت ایرانی جزء شرایط اصلی انتخاب شوندگان در مجلس می‌باشد (بند ۲ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس). حتی به موجب بند ۴ ماده ۹۸۲ قانون مدنی، اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نمایند نمی‌توانند به عنوان نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی انتخاب گردند.

ب. سن

سمت نمایندگی بنا به دلایل مختلف تخصصی بودن و پیچیدگی‌های خاص مستلزم این است که کسی در این منصب و موقعیت قرار گیرد که به درجه‌ای از فهم، درک و تشخیص مصالح و منافع عمومی زمامداری رسیده و بتواند در مسائل سیاسی اظهار نظر منطقی و معقول داشته باشد. جمهوری اسلامی ایران به موجب بند ۷ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس، حداقل سن انتخاب شوندگان را ۳۰ سال تمام و حداکثر آن را تا پایان ۷۵ سالگی در نظر گرفته است. اعتقاد بر این است که در سن ۳۰ سالگی انسان به آن درجه از رشد فکری و عقلی رسیده که بتواند مصالح و نیازهای جامعه خود را تجزیه و تحلیل و در خصوص آنها تصمیم‌گیری کند. در کشور مالزی سن انتخاب شوندگان را همانند سن انتخاب کنندگان در مجلس نمایندگان ۲۱ سالگی^۱ و در مجلس سنا سن انتخاب شوندگان را ۳۰ سال تمام در نظر گرفته است. به نظر می‌رسد که سن انتخاب شوندگان مذکور (۲۱ سالگی) پایین‌تر از میانگین سن داوطلبان انتخابات در مجالس نخست کشورهای دیگر که معمولاً ۲۵ سال است می‌باشد. در ضمن، کمتر کشوری پیدا می‌شود که در آن، سن انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان را همانند مالزی یکسان در نظر گرفته باشند. در کشور ما نیز سن انتخاب شدن بالا در نظر گرفته شده است که این امر می‌تواند تمایل به نوجویی را کاهش و در عوض، گرایش به محافظه‌کاری را در مجلس تقویت نماید.

ب. اقامت

شرط دیگر داوطلبی در انتخابات ممکن است سابقه‌ی سکونت و اقامت انتخاب شونده در حوزه‌ی انتخابیه باشد. کسانی باید داوطلب انتخابات شوند که آشنا و مسلط به شرایط، اوضاع و احوال، نیازها، توانایی‌ها و مقتضیات منطقه باشد، تا در کسوت نمایندگی بتوانند جهت انعکاس یا رفع

^۱- در انگلستان نیز سن انتخاب شوندگان در مجلس عوام ۲۱ سال است.

نیازهای مردم حوزه ی مربوطه به مرکز دولت به نحو بهتری فعالیت نمایند. اما مقیم نبودن داوطلب در حوزه ی انتخابیه ممکن است این خطر را ایجاد کند که احزاب و گرایش های سیاسی با اعمال نفوذ در منطقه و انجام تبلیغات فریب آمیز و هم چنین افراد غیربومی با نگرش کسب بیشتر کرسی های پارلمانی و اکثریت لازم منافع و اهداف سیاسی خود را در اولویت قرار دهند. طبیعتاً حضور نماینده در منطقه باعث می شود که مردم دسترسی بیشتر و بهتری به نماینده داشته باشند و نماینده به دلیل اقامت طولانی در منطقه دارای تعلق خاطر زیادی نسبت به آن گردد و در پیگیری خواسته های مردم تلاش بیشتری نماید (خسروی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۷).

در جمهوری اسلامی ایران به دلیل عدم پیش بینی شرط اقامت داوطلب در قانون انتخابات هر فرد می تواند در هر حوزه ی انتخابیه رای دهد و داوطلب انتخابات شود. نباید از یاد برد که نمایندگی در مجلس جنبه ی ملی دارد نه محلی، فلذا سابقه ی عدم اقامت در محل داوطلبی نمی تواند خلل چندانی در امر نمایندگی ایجاد نماید. هر چند که اقامت در حوزه ی انتخابیه سبب شناخت بیشتر مسایل و مطالبات یک منطقه و رابطه و پیوند بیشتر میان انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان می گردد.

کشور مالزی طبق اصول ۱۱۶ تا ۱۱۸ قانون اساسی، تقسیم سرزمین و جمعیت کل کشور به حوزه های انتخاباتی را نخستین گام در تسهیل کار انتخابات و فراهم آوردن تناسب عادلانه میان نمایندگان و شمار جمعیت کشور می داند. در این کشور همانند انگلیس یکی از شرایط انتخاب شوندگان مجلس نمایندگان سابقه ی سکونت در حوزه ی انتخابیه است، انتخاب شونده نیز مانند انتخاب کننده باید در حوزه ی انتخابیه ی محل داوطلبی خود دارای ۷ سال سابقه ی اقامت باشد.

ت. سلامت جسمی و روانی

افرادی که قدرت تشخیص مصالح خود و توانایی اداره ی امور مالی یا غیرمالی خود را ندارند، امکان انجام وظایف پیچیده ی نمایندگی مردم را نیز نخواهند داشت. البته اثبات این امر در صورت عدم تشخیص از ظاهر افراد، منوط به صدور حکم توسط دادگاه می باشد و بدون حکم قطعی دادگاه نمی توان شخصی را تحت این عنوان، محروم از داوطلبی نمود. تقریباً همه کشورها چنین شرطی را در قوانین انتخاباتی خود گنجانیده اند. وظیفه ی نمایندگی ایجاب می نماید که نماینده از سلامت جسمی و روحی برخوردار باشد که عرفاً و عملاً فرد به طور عادی قادر به انجام وظایف نمایندگی باشد (خسروی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۱).

در ایران طبق بند ۶ ماده ی ۲۸ قانون انتخابات مجلس، داوطلب نمایندگی افزون بر این که بایستی دارای سلامت روحی و روانی باشد بایستی دارای سلامت جسمی در حد برخوردارگی از نعمت بینایی، شنوایی و گویایی باشد.

ولی اصل ۴۸ قانون اساسی مالزی، نقص عضو بدنی را از موارد محرومیت از داوطلبی ندانسته مگر این که معلولیت و نقض عضو در قوای عقلانی و دماغی داوطلب تاثیر گذاشته باشد. به نظر می رسد که عدالت و دموکراسی انتخاباتی و اصل همگانی بودن حق رای ایجاب نماید که تنها عدم سلامت روانی یا جنون را بتوان یکی از موانع انتخاب شدن برشمرد، هر چند واجد بودن شرط سلامت کامل بدنی در ایفای هر چه بهتر وظایف نمایندگی کمک بیشتری می نماید. بعلاوه در کشور ما شرط داشتن سلامت جسمی یادشده در ماده ی ۲۸ قانون انتخابات مجلس، خاص انتخابات در نهاد اخیر است و در دیگر قوانین انتخاباتی و برای شوراهای محلی، مجلس خبرگان و ریاست جمهوری چنین شرطی ذکر نشده است.

ث. مدرک تحصیلی

با توجه به تخصصی و پیچیده شدن جوامع و روابط اجتماعی طبعا" وظایف نمایندگان نسبت به گذشته سنگین تر و پیچیده تر شده است. بنابراین، نمایندگان باید دارای تخصص های لازم بوده تا بتوانند با استفاده از تبحر و تخصص خود در راستای رفع نیازهای جامعه تدبیر اصولی بیاندیشند (گرگی از ندریانی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۸).

در جمهوری اسلامی طبق بند ۴ ماده ی ۲۸ قانون انتخابات مجلس و تبصره ی ۲ اصلاحی آن، یکی از شرایط داوطلب در انتخابات مجلس، داشتن مدرک تحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد یا معادل آن یا مدرک تحصیلی کارشناسی یا معادل آن به شرط داشتن پنج سال سابقه ی خدمت اجرایی در بخش های خصوصی یا دولتی و یا پنج سال سابقه فعالیت آموزشی یا پژوهشی یا سابقه یک دوره نمایندگی مجلس می باشد.

شرط مدرک تحصیلی در قوانین انتخاباتی کشور مالزی و همچنین شمار بسیاری از کشورها گنجانیده نشده است. در کشور ما هر چند قید مدرک تحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد برای داوطلبان می تواند به معنی توجه وافر به اصل شایسته سالاری و تخصص باشد، ولی از یک سو، تجربه ی چند سال گذشته نشان داده که با افزایش سطح تحصیلات دانشگاهی برای داوطلبی در انتخابات مجلس، تمایل افراد برای گرفتن مدارک تحصیلی تکمیلی افزایش یافته است. از سوی دیگر، این امر می تواند عده ی زیادی از داوطلبان انتخابات در این مجلس را با وجود دارا بودن شایستگی ولی به دلیل عدم داشتن مدرک در مقطع یادشده، از حق رای و انتخاب شدن محروم نماید.

ج. ابراز وفاداری به قانون اساسی

قانون اساسی هر کشوری به عنوان میثاق ملی، بیانگر آرمان ها و ارزش های یک ملت است، لذا حفظ و پاسداری از آن تکلیفی بر عهده ی هر شهروند و عضو جامعه ی سیاسی است. درج ابراز

وفاداری به قانون اساسی توسط داوطلبان در قانون انتخابات منطقی به نظر می‌رسد چرا که مجلس جزئی از ارکان دولت به معنای عام کلمه است و چنانچه نماینده‌ای اعتقاد به نظام سیاسی و قانون اساسی کشور خود نداشته باشد، چگونه می‌تواند از اصول و ارزش‌های آن جامعه پاسداری کند. این شرط در کشور ایران جزء شروط انتخاب‌شوندگان مجلس می‌باشد و داوطلب می‌بایست وفاداری خود به قانون اساسی کشور و اصل ولایت فقیه را که این قانون بر پایه‌ی آن بنا شده است بیان نماید (بند ۳ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس). ولی به این شرط در مالزی اشاره‌ای نشده است.

ج. اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام سیاسی

با توجه به اسلامی بودن نظام سیاسی ج.ا. ایران و اصل انطباق همه‌ی قوانین و مقررات با موازین شرعی طبق اصل ۴ قانون اساسی، شرط اعتقاد به اسلام و نظام جمهوری اسلامی و التزام عملی به آنها برای زمامداران و دولتمردان از جمله انتخاب‌شوندگان مجلس قانونگذاری انتظار بجایی است (بند ۱ ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس). مطابق این شرط، داوطلب افزون بر اعلام اعتقاد، در عمل نیز باید التزام خود را به موازین اسلامی و نظام سیاسی حاکم بر کشور که نشأت گرفته از آن است اثبات نماید. البته طبق تبصره ۱ ماده ۱ اخیر، داوطلبان نمایندگی اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی از التزام عملی به اسلام مستثنا بوده ولی باید در دین خود ثابت‌العقیده باشند. اما در مالزی شرط اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام سیاسی کشور برای داوطلبان مجلس با وجود رسمی بودن این دین مبین در این کشور در قانون اساسی و قانون انتخابات مجلس آن دیده نمی‌شود و این کشور بیشتر به وجود شرایط عرفی برای داوطلبان نمایندگی مجلس توجه کرده است.

۸. شایستگی اخلاقی و سیاسی

در اغلب دولت‌های قانون‌مدار شهروندانی که دارای پیشینه‌ی ارتکاب برخی از جرایم و محکومیت‌های قضایی می‌باشند شهروندان بد تلقی می‌شوند و به لحاظ اخلاقی، شایستگی لازم را برای دارا شدن حق رای به طور موقت یا دائمی ندارند. در برخی کشورها مدت زندان ولی در بیشتر موارد، کیفیت و نوع جرم، برای نمونه، اقدام علیه امنیت ملی، جاسوسی، قتل، جرایم انتخاباتی و موارد مشابه آنها در این زمینه، تعیین‌کننده است (عباسی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۱) و می‌تواند شخص را از حضور در عرصه‌ی رقابت‌های انتخاباتی باز دارد. حسن سابقه‌ی نامزد انتخابات از مواردی است که اکثر کشورها نسبت به آن حساسیت ویژه‌ای دارند. برای این که کسی بتواند به افتخار برگزیدگی از سوی شهروندان نایل شود، باید از حیث رفتار و کردار، برتر و والاتر از شهروندان عادی تلقی شود. ارتکاب جرایم بسیار خفیف نیز می‌تواند داوطلبی را از حق انتخاب

شدن محروم سازد (قاضی، ۱۳۸۳، ص ۳۱۲). چرا که قرار است داوطلبان انتخابات مجلس واضع قانون باشند و از واضع قانون بیشتر از دیگر افراد انتظار رعایت قانون می رود. اغلب کشورها در خصوص انتخاب نماینده ی مجلس رویه ی مشابهی را پیش گرفته اند و کسانی که از شهرت و حسن اخلاق برخوردار نیستند صلاحیت داوطلبی در انتخابات را ندارند.

طبق بند ۵ ماده ی ۲۸ قانون انتخابات کشورمان^۱، شرط شایستگی اخلاقی به معنای نداشتن پیشینه ی کیفری تحت عنوان «نداشتن سوء شهرت در حوزه انتخابیه» ذکر شده است. همچنین ماده ی ۳۰ قانون یادشده، انتخاب افرادی را که به لحاظ سوابق سوء کیفری، سیاسی و یا رفتاری از داوطلب شدن در نمایندگی مجلس محروم هستند در یازده بند معرفی نموده است که عبارتند از:

- ۱- کسانی که در جهت تحکیم مبانی رژیم سابق نقش موثر داشته اند،
 - ۲- ملاکین بزرگ که زمین های موات را به نام خود ثبت کرده اند،
 - ۳- وابستگان تشکیلاتی و هواداران احزاب، سازمان ها و گروه هایی که غیرقانونی بودن آنها از سوی مراجع صالح اعلام شده است،
 - ۴- کسانی که به جرم اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران محکوم شده اند،
 - ۵- محکومان به ارتداد به حکم محاکم صالحه قضایی،
 - ۶- مشهوران به فساد و متجاهران به فسق،
 - ۷- محکومان به حدود شرعی مگر آنکه توبه آنان ثابت شده باشد،
 - ۸- قاچاقچیان مواد مخدر و معتادان به این مواد،
 - ۹- محجوران و کسانی که به حکم دادگاه مشمول اصل چهل و نهم قانون اساسی باشند،
 - ۱۰- وابستگان به رژیم سابق از قبیل اعضای انجمن های شهر و شهرستان، وابستگان به تشکیلات فراماسونری و هیات رئیسه ی کانون های حزب رستاخیز و حزب ایران نوین و نمایندگان مجلس های سنا و شورای ملی سابق و ماموران ساواک،
 - ۱۱- محکومان به کلاهبرداری و خیانت، اختلاس، ارتشا و غصب اموال دیگران و محکومان به سوء استفاده ی مالی به حکم محاکم صالح قضایی.
- در مالزی نیز هر چند نامزد شدن در انتخابات آزاد است و اصل بر این است که هر شهروندی که از حق انتخاب کردن برخوردار باشد، شایستگی انتخاب شدن را نیز دارد (Harding, 1996, p. 92) ولی افزون بر محدودیت هایی که قبلا ذکر گردید، داوطلبان انتخابات مجلس باید دارای شایستگی اخلاقی بوده و سابقه ی ارتکاب اعمال و جرایم زیر را نداشته باشند:

^۱ ماده ی ۲۸ قانون شوراها ی اسلامی شهر و روستا مصوب سال ۱۳۷۵ نیز مربوط به شرط شایستگی اخلاقی و سیاسی داوطلبان در این انتخابات است.

- ۱- سابقه ی ورشکستگی بدون تسویه حساب کامل،
- ۲- کسی که پیش از این نامزد یکی از دوره های انتخابات سراسری یا ایالتی شده باشد یا به عنوان نماینده انتخاباتی فرد دیگری فعالیت کرده باشد، اما در موعد مقرر و به شیوه ی قانونی هزینه های انتخاباتی مشخص شده در قانون را نپرداخته باشد،
- ۳- کسی که در یک دادگاه فدراسیون مالزی محکوم به بیش از یک سال زندان یا جریمه ای بیش از دو هزار رینگیت شده و بعد از آن مورد عفو قرار نگرفته باشد،
- ۴- فردی که به صورت داوطلبانه شهروند کشور دیگری شده یا از حقوق شهروندی آن استفاده کرده باشد یا به کشوری جز فدراسیون مالزی اعلام وفاداری کرده باشد،
- ۵- همچنین افرادی که به نحوی مرتکب جرایم انتخاباتی شده و به خاطر این جرم در دادگاه گناهکار تشخیص داده شده باشند، ممکن است به محرومیت از نامزدی برای مدتی محدود محکوم شوند (گلشن پژوه، ۱۳۸۸، ص ۱۹۲).

در مقایسه ی شرط شایستگی اخلاقی در دو کشور می توان گفت که در جمهوری اسلامی ایران، از آنجایی که نمایندگان مجلس باید معتقد به مبانی جمهوری اسلامی، امین مردم، مومن و دارای سوابق روشن بوده و شایستگی اخلاقی داشته باشند عمدتاً سه دسته از افراد به موجب قانون از حق انتخاب شدن در انتخابات مجلس محروم شده اند که عبارتند از:

- ۱- وابستگان به رژیم گذشته، وابستگان به احزاب غیرقانونی، محکومان به جرم اقدام بر ضد جمهوری اسلامی و ارتداد؛
 - ۲- محکومان به جرم غصب اموال عمومی، خیانت، کلاهبرداری و غصب اموال دیگران؛
 - ۳- محکومان به حدود شرعی، قاچاقچیان مواد مخدر و معتادان به این مواد و مشهوران به فساد و متجاهران به فسق.
- ولی در کشور مالزی شرط شایستگی اخلاقی بیشتر به عدم محکومیت به جرایم انتخاباتی، سابقه ی ورشکستگی، محکومیت به بیش از یک سال زندان، جریمه ی نقدی یا کسب تابعیت دولت دیگر معطوف شده است.

نتیجه

اهمیت مطالعه ی تطبیقی بویژه در علم حقوق بر کسی پوشیده نیست. به همین دلیل، در دوره ی کارشناسی و بویژه در دوره ی تحصیلات تکمیلی رشته ی حقوق، چندین درس به حقوق تطبیقی اختصاص یافته است. متأسفانه در حقوق عمومی از جمله حقوق اساسی، مطالعات تطبیقی چندانی صورت نگرفته و یا اگر انجام شده است بیشتر به تطبیق و مقایسه ی میان حقوق ایران و کشورهای غربی از قبیل آمریکا، انگلیس و فرانسه پرداخته شده است. ما در

این مقاله کوشیدیم به مطالعه ی تطبیقی حقوق ایران و یک کشور مسلمان به نام مالزی در موضوعی خاص (بررسی تطبیقی شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان در نظام انتخاباتی مجالس ایران و مالزی) بپردازیم. پژوهشی تطبیقی در حوزه ی حقوق اساسی که تا حال حقوقدانان کشورمان بدان عنایت نکرده اند. در نتیجه، ادبیات حقوقی بسیار اندکی به زبان فارسی در این زمینه وجود داشت و ناچار می بایست این مطالعه به دلیل عدم اشراف به زبان مالایایی، با استفاده از منابع خارجی بویژه انگلیسی که آن هم محدود بود صورت گیرد.

به لحاظ شکل حکومت و نوع نظام سیاسی، دولت ایران مبتنی بر نظریه ی ولایت فقیه و دارای نظام جمهوری اسلامی و دولت مالزی به شکل سلطنت مشروطه است. در هر دو کشور، اسلام به عنوان دین رسمی کشور اعلام شده است، ولی اصل انطباق قوانین و مقررات با شرع و پیش بینی سازوکارهایی در این زمینه، در کشور ما از تضمینات بیشتری برخوردار است. نظام سیاسی دولت مالزی به لحاظ تفکیک قوا، نظامی پارلمانی همانند دولت استعمارگر پیشین خود یعنی انگلستان است و در زمینه ی حقوق اساسی از جمله انتخابات تحت تاثیر حقوق آن کشور می باشد. قوه ی مجریه این کشور نیز از نظر شمار مقامات اجرایی، حکومتی دو رکنی مرکب از پادشاه و نخست وزیر است. ولی نظام سیاسی ما شبیه نظام نیمه پارلمانی - نیمه ریاستی و حکومت آن همانند مالزی دو رکنی شامل رئیس کشور (مقام معظم رهبری) و رئیس دولت (رئیس جمهور) است.

به لحاظ ساختار درونی و سرزمینی، دولت مالزی دولتی فدرال مرکب از ایالات و دولت مرکزی است و بالطبع، پارلمان آن از نظر ساختار به صورت دو مجلسی می باشد. مجلس نخست معرف و نماینده ی مجموع جمعیت فدراسیون و دولت و مجلس دوم معرف و نماینده ی تک تک ایالات است. ولی دولت ج. ا. ایران به صورت دولتی یکپارچه و غیرمتمرکز و پارلمان آن، تک مجلسی و تنها شامل مجلس شورای اسلامی است که در کنار آن، شورای نگهبان ناظر بر مطابقت قوانین مصوب مجلس با شرع و قانون اساسی است.

نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و مجلس نمایندگان مالزی به صورت اکثریتی است. ولی در مالزی به تبعیت از انگلستان، نظام انتخاباتی اکثریتی تک نام یک مرحله ای و در ایران نظام اکثریتی تک یا چندنام دو مرحله ای حاکم است. در هر دو کشور مانند همه ی دولت ها، شرایطی برای حق رای و انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان پیش بینی شده و شرایط انتخاب شوندگان از انتخاب کنندگان پیچیده تر و سخت گیرانه تر است. محدودیت ها و شرایط معمولی تابعیت، سن و عقل برای انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان در هر دو کشور دیده می شود.

در خصوص شرط سن، سن انتخاب کنندگان در ایران اکنون پس از کش و قوس های فراوانی همانند اغلب کشورها، ۱۸ سال می باشد. ولی در مالزی بنا به دلایل نامعلومی ۲۱ سال در نظر گرفته شده است که این امر منجر به محدودیت دایره ی انتخاب کنندگان می گردد. ولی

سن انتخاب‌شوندگان در مالزی بسیار کمتر از سن مربوط در ایران است. در کشور نخست، این سن ۲۱ سال و در ایران ۳۰ سال پیش بینی شده است. شرط سن یادشده با سن رایج انتخاب‌شوندگان در اغلب کشورها که حدود ۲۵ سال است فاصله دارد که همانند شرط سن انتخاب‌کنندگان در مالزی می‌تواند منتهی به محدودکردن بیشتر حق رای گردد.

شرط اهلیت و شایستگی اخلاقی برای انتخاب‌کنندگان در دو کشور دیده نمی‌شود، ولی این امر برای انتخاب‌شوندگان در نظر گرفته شده و کسانی را که سابقه‌ی محکومیت کیفری در برخی از جرایم را داشته باشند حق انتخاب شدن به عنوان نماینده‌ی مجلس را ندارند. در کشور ما با توجه به تاکید بیشتر بر اسلامی بودن نظام، قوانین و مقررات، افزون بر اعتقاد و التزام عملی داوطلبان انتخابات مجلس به اسلام و ابراز وفاداری آنها به قانون اساسی و ولایت فقیه در خصوص شایستگی اخلاقی علاوه بر عدم سابقه‌ی محکومیت داوطلبان به برخی از جرایم علیه اموال، آنها نباید سابقه‌ی محکومیت به ارتداد، حدود شرعی، اعمال مشمول اصل ۴۹ قانون اساسی و اشتها به فساد و تجاهر به فسق داشته باشند. همچنین در کشور ما برای قطع کامل ارتباط با نظام سلطنتی پیشین، عده‌ی زیادی از وابستگان تشکیلاتی و حزبی آن نظام از حق داوطلبی برای انتخابات مجلس محرومند.

در خصوص شرط اقامت، در کشور مالزی سابقه‌ی اقامت ۷ ساله در حوزه‌ی انتخابیه را چه برای رای‌دهندگان و چه انتخاب‌شوندگان در نظر گرفته‌اند، در حالی که در قانون انتخابات مجلس ایران عنصر سابقه‌ی سکونت دیده نمی‌شود. درباره‌ی میزان سواد و مدرک تحصیلی ما شاهد مقررات سختگیرانه‌تری در خصوص داوطلبان انتخابات مجلس در کشورمان هستیم امری که در مالزی و بسیاری از کشورهای دیگر چندان به آن اهمیت داده نشده است. در مورد شرط سلامت نیز در کشور ما داوطلبان باید افزون بر عقل و سلامت روانی از سلامت جسمی در حد برخورداری از نعمت بینایی، شنوایی و گویایی برخوردار باشند. ولی در مالزی نقص عضو و معلولیت در صورتی موجب محرومیت است که در قوای عقلانی داوطلب تاثیر گذاشته باشد.

در نهایت باید ذکر کرد که محور مهم تفاوت شرایط داوطلبان انتخابات مجلس در دو کشور به اعتقاد و التزام دینی آنها برمی‌گردد، امری که کاملاً منطبق با میزان تعهد یک نظام سیاسی به یک مکتب و ایدئولوژی است. باقی تفاوت‌ها (شرط سن، اقامت، مدرک تحصیلی و سلامت جسمی) به گذشته، تجربه و سیاست‌های دولتمردان دو کشور برمی‌گردد.

دغدغه‌ی نظام حقوقی کشورمان افزون بر استفاده از تجربیات نوع بشر، حفظ اسلامیت نظام سیاسی در همه‌ی ابعاد است. ولی دولت مالزی کوشیده است که در تکوین و تحول نظام حقوقی خود از جمله حقوق انتخابات، از دولت انگلستان و منابع عرفی الهام بگیرد.

منابع و مأخذ

الف. فارسی

۱. خسروی حسن، (۱۳۸۵)، *حقوق انتخابات دموکراتیک*، تهران: مجد.
۲. عباسی بیژن، (۱۳۸۹)، *مبانی حقوق اساسی*، چاپ دوم، تهران: جنگل.
۳. قاضی سیدابولفضل، (۱۳۸۳)، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، تهران: میزان.
۴. گرجی ازندریانی علی اکبر، (۱۳۸۸)، *در تکاپوی حقوق اساسی*، تهران: جنگل.
۵. گلشن پژوه محمد رضا، (۱۳۸۸)، *بررسی تطبیقی نظام های انتخاباتی*، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
۶. مهرپور حسین، (۱۳۸۷)، *مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دادگستر.
۷. وزارت امور خارجه، (۱۳۷۲)، *کتاب سبز مالزی*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۸. هاشمی سید محمد، (۱۳۸۷)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: میزان.

ب: غیرفارسی

9. *Constitution of Malaysia*.
10. Harding (A.), (1996), *Law, Government and Constitution in Malaysia*, Malaysia, Lexisnexis.
11. Nurhafilah (M.) , 2008, *Federalism, constitutionalism and democratic society in Multicultural societies-A Case Study of Malaysia*, Iff Summer University.

ج. مقالات

۱۲. تقی زاده جواد، (۱۳۸۲)، «*تأملی بر حق رأی در حقوق ایران با نگاهی به حقوق فرانسه*»، نشریه حقوق اساسی، ش ۱، س نخست، ص ۲۷-۵۵.
۱۳. ساعد محمد جعفر، (۱۳۸۹)، «*چشم اندازی به نظام حقوقی و عدالت کیفری مالزی*»، نشریه حقوق اساسی، ش ۱۰، س پنجم، ص ۱۳۲-۱۰۷.